سرِ مقاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. خدای حکیم، به حکمت رسای خود بنیان خانواده را سنگ زیرین بنای استوار زندگی انسانی نهاده است. برای این هدف، غرائزی در درون دو جنس نوع انسان جای داده و کششی در درون آنها مقرر داشته تا در پی آن کشش، کوششی مستمرّ برای تداوم حیات پیش گیرند و زندگی به سبب این کشش و کوشش در دنیا تداوم یابد.

۲. بدین روی خدای بزرگ یکی از آیات (نشانه‌های) خود را این آیت می‌داند که: «از جنس خودتان زوجی برای شما آفرید تا به او آرامش گیرید و میان شما دوستی محکم و مهرورزی قرار داد»؛ آیتی استوار از خدای منّان که خلقت انسان و تاریخ دیرسالِ حیات بشر بر بسیط خاک، شاهد صدق بر صداقت آن است.

۳. لازمهٔ قطعی این حکمت خردپسند الهی که در حیات انسان جریان داشته است و دارد، آن است که روابط و تعاملات میان این دو جنس تابع ضابطه‌ای روشن و منطقی باشد؛ رابطه‌ای که هر کس پیرو عقل سلیم باشد، از آن تبعیت کند. در سوی دیگر، هر کس تبعیت نکند، داغ خردستیزی را بر پیشانی خود نهاده باشد. وجود چنین فرآیندهایی در تمام جوامع، چه جوامع کهن و چه معاصر – با وجود اختلاف در مصداق و نوع این روابط – فطری بودن اصل اصیل «ضرورت قانونمندیِ تعامل میان دو جنس» را نشان می‌دهد.

٤. روشن است که محور اصلی این قانونمندی، بانوان هر جامعه‌اند، به ادلّهٔ روشن که همگان می‌دانند و این عیان را نیازی به بیان نیست. بدین روی، یکی از مبانی بدیهی در زندگی اجتماعی در تمام جوامع، «پذیرش یک شیوهٔ مقبول در باب پوشش بانوان» بوده و هست. این شیوه یکی از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.2.6]

همان اصولی است که هر کس در هر زمانی نپذیرد، خردستیزی خود را امضا می‌کند. وجود اختلاف در مورد نوع این پوشش، فرع بر اصل «فطری بودن ضرورت پوشش مقبول» بوده و هست. حجاب مورد نظر دین اسلام نیز یکی از مصادیق این اصل گریزناپذیر است.

۵. آنچه در کمال اختصار بیان شد، واقعیتی است عقلی که به راحتی می‌تواند تحت الشعاع شهوتِ گناه آلوده قرار گیرد؛ مانند دیگر موارد که شهوتها نور عقل موهبتی الهی را می‌پوشانند و مسیر دیگری برای حیات انسان رقم می‌زنند. شیطان نیز در این مسیر بیکار ننشسته و با تمام خدم و حشم و نیروهای پیاده نظام و سواره نظام خود به میدان آمده تا «آن مسیر دیگر» را پیش پای آدمیان نهد. در برخی از مراحل زندگی فردی یا اجتماعی انسانها، پیروزی نسبی ابلیس و یارانش را دیده‌ایم و می‌بینیم.

٦. دریغا که برخی پیشرفت‌های زندگی مادّی بشر (مانند انقلاب صنعتی در چند سدهٔ پیش) دیدهٔ بعضی از ابناء بشر را خیره کرد و راه را بر عقل آنها بست. شهوت تکاثر و جمع مال – که بدون هیچ ضابطه‌ای خردپسند به گونهٔ مسابقه‌ای پر شور و بی‌هدف روشن جریان یافت – چنان بر تمام ابعاد تولید و مصرف و سبک زندگی چنگ انداخت که اصول انسانیِ مورد قبول دهها سده را زیر پای خود لِه کرد. چرخ دنده‌های صنعت، همه برای تأمین غریزهٔ سیری ناپذیر «نفع شخصی افراد» به کار افتاد و همهٔ مبانیِ چند صد ساله را قربانی گرفت. همگان دیدند که: «از قضا سرکنگبین صفرا فزود / روغن بادام خشکی می‌نمود».

۷. مسیر غلط اصالت تجارت و سودآوری، بشر را به صنعتی به نام «پیام بازرگانی» کشاند؛ صنعتی که از آغازین گامهایش با صنایع دیداری – شنیداری و پیدایش رسانه‌های فراگیر گره خورد و چنان تغییر مشهودی در زندگی پدید آورد که تاریخ بشر هرگز به خود ندیده بود. این تغییر، از مغرب زمین آغاز شد و در گذر زمان، به تدریج یا سرعت، به مشرق زمین رسید.

۸. این تغییر، کم کم دانشهای دیگر را به خدمت گرفت؛ لذا به مرور، مبانی ویژه‌ای برای توجیه این فرآیند تغییر را از دانش حقوق، روانشناسی و دیگر دانشها وام گرفتند و ترفند

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.2.6]

شیطانیِ «توجیه» را بیش از دیگر ترفندها اصل قرار دادند. برق سکّه‌های طلا، چشم برخی از دانشوران را خیره کرد و آنها را به خدمت گرفت؛ آنگاه صدای معدود دانشمندان فطرت گرا در جوامع شرقی و غربی، در غوغای رسانه های فراگیر و سحر و افسون آنها گم شد و به جایی نرسید.

۹. دست اندازیِ جنود ابلیس به مبانی دینی نیز رسید و باب توجیه‌های ضدّ فطرت بر ادیان فطری الهی گشوده شد. پدیدهٔ دیرآشنای تحریف معنوی این بار به شکلی دیگر رخ نمود. نصوص وحیانی برای تأمین اهداف شهوت پرستان تفسیر به رأی شد. بدین روی دانشوران دلسوز دین برای بدیهی‌ترین اصول زندگی انسانی نیاز مند دفاع شدند؛ به گونه‌ای که – به عنوان نمونه در ایران – نخستین رساله‌های مستقلّ فارسی در اثبات ضرورت حجاب بانوان در اوایل قرن چهاردهم شمسی، همزمان با حکم حکومتی کشف حجاب نوشته می‌شود؛ آنچه پیش از آن به دلیل بدیهی بودن نیاز به شرح و تفصیل و تک نگاری نداشت.

۱۰. مروری گذرا بر تاریخ ادبیات و هنر این دیار، پرده‌های غم‌انگیزی از این تلاش ضدّ فطرت را نشان می‌دهد. چه مایه شعر و داستان و هنر و ادب را برای این روند ضدّ ادب به کار گرفتند! همین قصّهٔ تلخ، خود پژوهش‌های درازدامن می‌طلبد. خلاصه اینکه سودای نام و نان برخی را برای همیشهٔ عمر، و بعضی را برای دوره‌ای کوتاه به این لغزشگاه کشاند و آثاری پدید آمد که عرق شرم بر پیشانی هنر و ادب نشاند.

۱۱. این فرآیند با گسترش شتابناک موج رسانه‌ای و فضای مجازی همچنان شدت می‌گیرد. همزمان، جدال دیرینِ حق طلبان معدود شرقی و غربی با تجارت مدارانِ انسان ستیز به سختی جریان دارد. همین سان جهادِ دین مداران در دفاع از نصوص وحیانی و دلالت روشن آنها بر مبانی فطری و خردپسند صحنه‌هایی در تاریخ پدید آورده که – انصاف را – برخی از آنها کم مانند یا بی‌مانند هستند.

۱۲. فصلنامهٔ سفینه **با همکاری مرکز تحقیقات زن وخانواده** برای فتح باب در این مسیر، به این

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.2.6]

میدان کارزار فرهنگی گام نهاد؛ بدان امید که بتواند برخی از شاخص‌های سبک زندگی مهدوی را بار دیگر به یاد آورد؛ شاخص‌هایی از آن گونه که در دعای منقول از حضرت بقیة الله ارواحنا فداه خوانده‌ایم: «... و علی مشایخنا بالوقار و السکینة، و علی النساء بالحیاء و العفّة، و علی الشباب بالإنابة و التوبة ...»

بدان امید که این گام کوتاه در آن آستان بلند مقبول افتد. ایدون باد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.63.2.6]